



بررسی فقهی ماهیت حقوقی نفقه زوجه در مذاهب خمسسه

دکتر موسی زرقی، دکتر سید جواد خاتمی، آرزو چکاد

عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری Email: moosazarghi@yahoo.com

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری Email: khatami455@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری Email: arezouckhad@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث بحث برانگیز نفقه زوجه از دیرباز تا کنون، ماهیت حقوقی آن است؛ از این لحاظ که آیا اموالی که تحت عنوان نفقه در اختیار زوجه قرار گرفته است جزء مایملک اوست یا وی، تنها حق بهره‌مندی از آن‌ها را داد. در این مورد فقهای امامی و اهل تسنن نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند لذا در مقاله پیش‌رو برای پاسخ دادن این پرسش، به بررسی دیدگاه‌های فقهای مذاهب اسلامی در این زمینه پرداخته شده است که نهایتاً مشخص می‌گردد فقها بین اموالی که انتفاع از آنان موجب نابودی عین آنان است با اموالی که انتفاع از آنان موجب تلف آن‌ها نمی‌شود، تفکیک قائل شده‌اند و اکثراً استفاده از اموالی که بهره‌مندی از آنان موجب نابودیشان است مانند انواع خوراکی و امثال آن را، جز مایملک زوجه به حساب آورده‌اند اما نسبت به اموالی که انتفاع از آنان موجب نابودیشان نمی‌باشد همانند مسکن و خادم، قائل به امتناع شده‌اند.

واژگان کلیدی: نفقه، ماهیت حقوقی، امتناع، تملیک

مقدمه^۱

از مهمترین وظایف زوج نسبت به همسرش در صورت تمکین وی، پرداخت نفقه اوست. اصل وجوب نفقه در ملل مختلف فراسوی دین مبین اسلام برای زن تأکید و توصیه شده است؛ گرچه شرایط و میزان آن ممکن است در ادیان مختلف متفاوت باشد اما تمامی صاحب‌نظران به وجوب اصل نفقه معتقدند. در مذهب اسلام نیز به علت جایگاه مهم نفقه، فقها همواره به این مبحث توجه ویژه‌ای داشته و به مسائل پیرامون آن پرداخته‌اند، بنابراین ما نیز خواهان آن بودیم که در این امر مهم مشارکت نماییم لذا تصمیم بر آن شد که در مورد یکی از مسایل مهم پیرامون نفقه پژوهشی صورت گیرد؛ و از جمله مهمترین مسائل اساسی پیرامون نفقه، می‌توان به ماهیت حقوقی آن اشاره نمود، لذا بر آن شدیم تا به بررسی نظرات فقها در این مقوله بااهمیت بپردازیم، بنابراین در این پژوهش سعی شده است با بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به کتب فقهی و تفسیری معتبر امامی و اهل تسنن صورت گیرد، در نهایت، با بررسی‌های انجام شده، شخص گردید؛ فقها میان اموالی که انتفاع از آنان، موجب نابودی عینشان می‌گردد با اموالی که انتفاع از آنان موجب از بین رفتنشان نمی‌شود تفاوت قائل شده‌اند که نسبت به دسته اول، مشهور فقهای امامی و اهل تسنن این اموال را جزء اموال زوجه می‌دانند اما نسبت به دسته دوم، اگر اموال از جمله مسکن و امثال آن باشد، برای زوجه تنها حق بهره‌مندی از این اموال را در نظر گرفته‌اند اما نسبت به سایر اموال شامل لباس و امثال آن، این اموال را جزء مایملک زوجه می‌دانند.

۱. بررسی معنای لغوی نفقه

اکثر لغت‌دانان در تعریف معنای لغوی نفقه چنین نوشته‌اند:

نفقه در لغت، به معنای آنچه بذل و بخشش نمایند یا چیزی که انسان برای خود و عیالش یا دیگری خرج می‌کند؛ می‌باشد پس هنگامی که گفته می‌شود «انفق فلان» یعنی کسی که مالش را برای دیگری، خرج و مصرف نمود. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۳۹/۹ و ۳۵۸/۱۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۷۷/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۴۶۴/۱۳)

همچنین در فقه عامه نیز، نفقه در لغت به همان معانی ذکر شده به کار رفته است؛ یعنی آنچه که از مال برای خود و خانواده هزینه می‌شود و به معنای بذل و بخشش و آن چیزی است که انسان برای عیالش خرج می‌کند. (مجمع لغت عربی قاهره، بی‌تا: ۹۴۲/۲)

۲. تعریف اصطلاحی نفقه

تعاریفی که در فقه ارائه شده اغلب همراه با ذکر مصادیق هستند. بدین جهت اکثر اختلاف‌ها به این مصادیق برمی‌گردد. (صادقی، ۱۳۹۰: ۳۷)

۱. در قسمت‌های از متن از ترجمه‌های کتب مذاهب خمسسه در نفقه زوجه، نفقه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی و ... با دخل و تصرف استفاده شده است.



اکثر فقهای امامی، نفقه زوجه را شامل مایحتاج زن از جمله مسکن، خوراک، پوشاک، خادم و وسائل آشپزی که به طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب باشد؛ دانسته‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۰/۳۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۵۶/۸؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۱۷: ۹۵/۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۳/۲)

البته برخی از فقها، مصادیق دیگری به آن اضافه نموده‌اند؛ از جمله، آیت الله خوئی بیان نموده‌اند:

نفقه همسر دائم که بر زوج واجب است عبارتند از غذا، لباس، تأمین مسکن و لوازم زندگی و سایر چیزهایی که بر حسب شأن وی، برای زوجه مورد نیاز است، مانند اجرت حمام، لوازم نظافت و اجرت حجامت در صورت لزوم، و پول دارو و درمان حتی نسبت به بیماری‌های صعب‌العلاج وی. (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۷/۲) امام خمینی نیز (ره) معتقد است:

اندازه خاصی در شرع برای نفقه وجود ندارد، بلکه نفقه، شامل تمام چیزهایی است که زن بدان نیازمند است، از جمله غذا، لباس، تهیه مسکن و لوازم آن؛ و حتی در صورت نیاز به خدمتکار، اگر شأن وی چنین اقتضایی نماید، شامل آن نیز می‌شود. همچنین مزد حمام، نظافت، دارو و درمان برای معالجه بیماری‌هایی که به طور طبیعی بر فرد عارض می‌گردد؛ را نیز دربرمی‌گیرد، اما نسبت به امراض صعب‌العلاج و مزد حجامت، از این جهت که آن‌ها هم شامل موارد وجوب نفقه می‌شوند یا خیر؛ محل تأمل است. (خمینی، بی تا: ۳۱۵/۲ - ۳۱۷)

فقهای مذاهب چهارگانه اهل تسنن نیز، هر کدام تعاریف جداگانه‌ای از نفقه بیان نموده‌اند که در ذیل بدان پرداخته شده است.

فقهای حنفی معتقدند نفقه، شرعاً عبارت است چیزی است که انسان برای خانواده خویش و مثل آن اعم از زوجه، نزدیکان و بندگان خرج می‌کند که شامل خوراک و پوشاک و مسکن می‌شود. (شیخی‌زاده، بی تا: ۴۸۴/۱)

در مذهب مالکی نیز، نفقه شامل تهیه غذا، لباس و مسکن، متناسب با عرف و عادت مردم و به اندازه وسعت و توانایی زوج و وضعیت زن می‌باشد. (علیش، ۱۴۰۹: ۳۸۷/۴؛ دسوقی، بی تا: ۵۰۹/۲)

همچنین فقهای شافعی، نفقه را در تأمین مسکن، تهیه پوشاک و مقدار معینی از خوراک برای زوجه و خادم وی متناسب با وضع مالی زوج؛ و

آنچه از این امور به قدر کفایت برای سایر افراد واجب‌النفقه اعم از نزدیکان و بندگان که برای گذران زندگی بدان محتاجند؛ دانسته‌اند. (بغوی،

۱۴۱۸: ۳۲۴/۶، ۳۳۲ و ۳۳۳)

در نهایت حنبلی‌ها نفقه شرعی را چنین تعریف کرده‌اند: نفقه عبارت است از تهیه نان، خورش، لباس، مسکن و لوازم آن از ناحیه کسی که شخصی را تحت تکفل خود قرار داده است. (بهوتی، ۱۴۱۴: ۲۲۵/۳؛ بعلی، ۱۴۲۳: ۶۸۴/۲؛ ابن مفلح، ۱۴۲۳: ۱۶۲/۸)

از تمامی تعریف‌های فوق چنین به دست می‌آید که نفقه زوجه، عبارت است از رفع نیازهای ضروری زندگی زن، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و... که زوج مکلف به تأمین هر یک از آن‌هاست.

۳. مبانی فقهی نفقه زوجه

فقهای امامی برای وجوب نفقه زوجه به آیات، روایات و اجماع استدلال کرده‌اند و فقهای اهل تسنن علاوه بر آن، به عقل و قیاس نیز تمسک

نموده‌اند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۳۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۵/۴؛ قرافی، ۱۴۱۵: ۴۶۵/۴ - ۴۶۶؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۱۹/۶ - ۳۲۳؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۳۰/۹)

۳-۱. آیات

بعضی از آیات قرآن کریم، صراحتاً دلالت بر وجوب نفقه دارد، و برخی دیگر به کمک روایات و تفاسیر، بر این مسئله دلالت می‌نمایند. در این

قسمت، به بررسی دو نمونه از آیاتی که دلالتشان بر وجوب نفقه، واضح‌تر است؛ پرداخته شده است. (فرشتیان، ۱۳۷۱: ۴۳ - ۴۴)

آیه اول:

«وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَتَّىٰ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدٍ وَ عَلَى الْوَالِدِ مِثْلُ ذَلِكَ؛ و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و خوراک و پوشاک آنان [= مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است.» (بقره: ۲۳۳)

خداوند متعال پس از بیان احکام طلاق در آیات قبل، در این آیه، پدران را به تأمین خوراک و پوشاک مادران به نحو متعارف مکلف می‌نماید.

(نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۳۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۵/۴؛ قرطبی، ۱۴۲۵: ۷۶/۳؛ شربینی، ۱۴۱۵: ۱۵۱/۵؛ ابن ضویان، ۱۴۰۹: ۲۹۷/۲) بنا براین، مشخص

می‌شود تمامی مذاهب پنج‌گانه در دلالت آیه بر وجوب پرداخت نفقه اتفاق نظر دارند.

آیه دوم:

«لِيُنْفِقُ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرْ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا؛ بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند.» (طلاق: ۷)



کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی

شهریورماه ۱۳۹۶



این آیه نیز همانند آیه قبل، در مورد مطلقات می باشد، خداوند منان در آیه فوق امر به انفاق مردان می کند که بر اساس توانگری و تنگدستی یا به عبارت دیگر به قدر توانایی از آنچه که خدا به آنان عطا نموده است، انفاق نمایند؛ لذا اگر مردی دارای مکتب مالی است باید به زندگی زوجه های مطلقه خود و به زندگی فرزند خود توسعه دهد. در ادامه آیه، خداوند در مورد مردی که توانایی مالی ندارد می فرماید: «وَمَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيَنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ» یعنی، هر کس تنگ دست و فقیر است و نمی تواند به زندگی زوجه مطلقه و کودک خود توسعه دهد، هر قدر در توان اوست، از مالی که خدای متعال به ایشان عطا کرده است، انفاق نماید. (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۳۱۸/۱۹؛ زمخشری، بی تا: ۵۶۳/۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۲/۳۱ و ۳۷۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۵/۴؛ قرافی، ۱۴۱۵: ۴۶۶/۴؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۲۴/۶؛ بهوتی، ۱۴۰۲: ۴۶۰/۵؛ چنان که آیه دلالت بر وجوب انفاق بر مطلقه رجعیه دارد، لذا به طریق اولی دلالت بر وجوب پرداخت نفقه زوجه نیز می کند. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۳۸/۸؛ صادقی، ۱۳۹۰: ۹۸)

۲-۳. روایات

روایات بسیاری بر وجوب پرداخت نفقه در مذاهب اسلامی دلالت دارند. در این فسمت به بررسی دو مورد از جمله مهم ترین روایات فقه امامی و اهل تسنن پرداخته شده است

روایت اول:

امام صادق (ع) می فرمایند: زنی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و از حق زوج بر زوجه سؤال نمود و پاسخ آن را شنید؛ پس از آن از حق زوجه بر زوج پرسید. آنگاه پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بکسوها من العری و یطعمها من الجوع و إذا أذنبت غفر لها؛ مرد باید بدن زن را بپوشاند و طعامش داده از گرسنگی برهاند و به هنگامی که مرتکب خطایی شود، او را ببخشد». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۶/۲۰)

این حدیث، به صراحت به وجوب پرداخت نفقه توسط زوج دلالت داشته و وی را مکلف به ادای آن دانسته است.

روایت دوم:

در خبری از معاویه القشیری آمده است، مردی نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و عرض کرد، حق زن بر زوج چیست ایشان فرمودند: «طعموهن مما تأکلون واکسوهن مما تکتسون و لا تضربوهن و لا تقبحوهن؛ از آنچه خودتان می خورید به آنان نیز طعام دهید و با آنچه خودتان را می پوشانید آن ها را نیز بپوشانید و آنان را زنید و از ایشان جدا مشوید. (شوکانی، بی تا: ۷۹/۷)

این روایت نیز همانند روایت فوق، به صراحت به موارد مصادیق نفقه پرداخته و به وجوب پرداخت نفقه تأکید دارد.

۳-۳. اجماع

همه فقهای مذاهب خمس، بر اصل وجوب نفقه اتفاق نظر دارند و بر آن ادعای اجماع نموده اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۳۱؛ أبوزهره، بی تا: ۲۹۶؛ شیخی زاده، بی تا: ۴۸۵/۱؛ قرطبی، ۱۴۲۵: ۷۷/۳؛ انصاری، بی تا: ۳۸۱/۴؛ نووی، ۱۴۱۲: ۴۰/۹؛ ابن قدامه: ۱۴۰۵، ۲۳۰/۹)

۴-۳. دلیل عقلی یا قیاس

از جهت عقلی، در این خصوص فقهای اهل تسنن استناد کرده اند به اینکه، چون زوجه به سبب نکاح برای زوج محبوس می شود و از بیرون رفتن از منزل و همچنین از اکتساب و تحصیل درآمد، محروم می گردد، لذا شوهر، باید نفقه وی را تأمین نماید. (بغوی، ۱۴۱۸، ۳۲۰/۶-۳۲۳) زیرا در فقه قاعده ای وجود دارد مبنی بر اینکه «من حبس لحق غیره فنقته واجب علیه» یعنی کسی که به خاطر حق دیگری محبوس گردد؛ پرداخت نفقه اش بر عهده او واجب می شود. مانند قاضی، والی، و سایر خدمتگزاران دولت، که برای منفعت دولت، خویشتن را محبوس و وقف آن مشاغل نموده، و خود را مکلف به انجام این خدمات می نمایند، لذا، دولت نیز مکلف به تأمین هزینه های زندگی آنان است. از جهت شرعی نیز، حقوق آنان باید، از بیت المال مسلمین پرداخت گردد، زیرا خود را وقف خدمت، برای مسلمین، نموده اند. زوجه نیز، به اینان قیاس می شود. بدین گونه که زوجه، خویشتن را وقف خدمت، برای زوج نموده است، بنابراین هزینه های زندگی وی، بر عهده شوهرش می باشد. (أبوزهره، بی تا: ۲۹۶)

استدلالات فوق، ظاهراً منطقی به نظر می رسد، اما قابل استناد نیست؛ زیرا دلیل اول، شامل کلیه موارد نمی شود، مثلاً چنانچه زوجه ای، سرمایه هنگفتی همراه خویش به منزل زوج بیاورد، دیگر احتیاجی به تحصیل درآمد نخواهد داشت، اما پرداخت نفقه از جانب زوج، همچنان، واجب می باشد، و یا در صورتی که بدون اجازه شوهر به علت مسئله اجبی مجبور به ترک منزل مشترک شود؛ لذا مسئله محل بحث و تأمل می باشد؛ همچنین در دلیل دوم به علت آنکه این ارتباط از جهت قیاس است لذا تنها موجب تقویت احتمال می شود تا آن را به سر حد ظن برساند، بنابراین این دلیل ضعیف است و قابل استناد نیز نمی باشد. (فرشتیان، ۱۳۷۱: ۵۰-۵۱)

۴. میزان نفقه

اکثر فقهای مذاهب امامی، مالکی، حنفی و برخی از فقهای حنبلی و شافعی، در تعیین اندازه نفقه به حد و مقدار خاصی قائل نیستند بلکه به اندازه ای که نیاز زوجه را تأمین کند و او را کفایت نماید، یا به اندازه ای که در عرف متداول و رایج است، نفقه را واجب می دانند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۳۲-۳۳۱/۳۱)

شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۵۷/۸؛ قرطبی، ۱۴۲۵: ۷۷/۳؛ سیواسی، بی تا: ۳۸۱/۴؛ بهوتی، ۱۴۰۲: ۴۶۰/۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۳/۴)



مهم ترین دلایل آنان، اطلاق آیات و روایات است؛ چراکه با وجود این اطلاقات، تعیین هر اندازه و مقداری در نفقه منصرف به عرف است. (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۱۹) این انصراف را آیات: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و: «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، (بقره: ۲۳۳) و حدیث هند همسر ابوسفیان «خدی ما یکفیک و ولدک بالمعروف» (قشیری نیشابوری، بی تا، ۱۳۳۸/۳) و خطبه رسول خدا (ص) در حجة الوداع: «و آهن علیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۱۷/۲۱؛ قشیری نیشابوری، بی تا: ۸۸۶/۲) تأیید و تقویت می نماید. (صادقی، ۱۳۹۰: ۲۱۹) اما با این وجود، حنبلی ها و اکثر شافعی ها و برخی از حنفی ها و تعداد کمی از فقهای امامی، عرف و عادت و قدر کفایت را در تعیین مقدار نفقه، معتبر نمی دانند و معتقدند که چنانچه زن و شوهر از جهت وضعیت اجتماعی و خانوادگی در حالت مشابهی قرار داشته باشند، شرایط هر کدام می تواند ملاک قرار گیرد و مشکلی پیش نخواهد آمد، اما اگر سطح زندگی زوجین با هم مختلف باشد، بدین نحو که زن ثروتمند و مرد فقیر باشد، یا برعکس، در صورتی که بر مقدار خاصی توافق نکنند، در اینکه ملاک در تعیین مقدار نفقه، حال زوج است یا زوجه یا هر دو، سه دیدگاه وجود دارد (همان: ۲۲۰) فقهای امامی در این صورت ملاک پرداخت نفقه را، وضعیت زوجه مطابق با عرف عادت زنان آن از سرزمین می دانند اما فقهای مالکی، حنبلی و برخی از فقهای حنفی، رعایت حال زوجین را مبنای لزوم پرداخت نفقه قرار داده اند؛ در صورتی که فقهای شافعی و برخی از فقهای حنفی، ملاک را رعایت حال زوج در نظر گرفته اند. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳۹۱/۲-۳۹۲)

۵. ماهیت حقوقی نفقه زوجه

در مورد ماهیت حقوقی نفقه زوجه این پرسش مطرح می شود که آیا زوجه آنچه را که مرد به عنوان نفقه به وی می دهد، مالک می شود یا خیر؟ و به عبارت دیگر، مرد، نفقه را به زوجه تملیک می کند یا امتاع؟

چنانچه تملیک کند، زن حق هرگونه استفاده مالکانه را داراست یعنی می تواند آن شی را بفروشد، قرض بدهد، ببخشد و ...، و اگر استفاده نابجا کند بدین صورت که در اثر افراط و تفریط، آن ها را تباہ سازد، در برابر شوهرش مسئولیتی متوجه وی نیست. اما اگر مرد، نفقه را به همسرش امتاع کند، یعنی فقط به وی، حق استفاده از آن اشیا داده شده است و از تصرفات مالکانه در آن محروم است، لذا در صورت استفاده ناصحیح و افراط و تفریط در برابر شوهرش مسئول خواهد بود. در این قسمت بایستی میان اموالی که، انتفاع از آن ها موجب نابود شدن آن هاست و اموالی که استفاده از آن ها سبب تلف شدن عین آن ها نیست، تفاوت قائل شده و چون هر کدام حکم مستقلی دارند، بایستی به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گیرند. (فرشتیان، ۱۳۷۱: ۵۷)

۱-۵. اموالی که انتفاع از آن ها موجب نابود شدن عین آن هاست

در مورد اموالی چون خوردنی ها و نوشیدنی ها و اشیائی مانند صابون و روغن که مصرف آن ها موجب از بین رفتن عین آن هاست، تمامی فقهای مذاهب اسلامی غیر از مذهب حنفی، معتقدند انفاق زوج بر زوجه، به وجه تملیکی بوده و زن پس از دریافت این قبیل اشیا حق تصرف مالکانه در آن ها را دارد؛ زیرا درباره آن ها حق انتفاع از مالکیت جدا شدنی نیست و ظاهر این است که زوج آن ها را به او تملیک کرده است. پس، زن مالک پولی که برای تهیه غذای خود گرفته یا صابون و عطری که به او داده شده است می شود، و آنچه در نتیجه صرفه جویی پس انداز می نماید متعلق به خود اوست. اما، باید دانست که نفقه فرزندان و مخارج تهیه غذای شوهر و اعضای خانواده، که به طور معمول به زن داده می شود، به ملکیت او در نمی آید. باید به همان جهت مصرف خاص شود و زن در مقام صرف این گونه هزینه ها حکم مدیر و امین شوهر را دارد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۳/۳۱؛ نووی، ۱۴۱۲: ۵۲/۹؛ دسوقی، بی تا: ۵۰۹/۲؛ بهوتی، ۱۴۰۲: ۴۶۳/۵)

اما فقهای حنفی معتقدند در اثر حبس نکاح، پرداخت نفقه به عنوان صلہ بر مرد، واجب می شود، از این رو در انواع نفقه، زوج به عنوان امتاع، نفقه را در اختیار زوجه قرار می دهد. (کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۷/۴)

استحقاق بهره مندی از نفقه، بنا بر قول امتاع، یا مالکیت زن بر نفقه روزانه مشروط بر این است که شرایط وجوب نفقه تا پایان روز وجود داشته باشد. بنابراین اگر مرد، نفقه روزانه زن را صبح به وی دهد، یا نفقه را اول هفته، برای مدت یک هفته، به همسرش بپردازد اما اگر در طی روز یا هفته، به علتی وجوب نفقه از مرد ساقط شود، مانند اینکه زن ناشزه شود، زوجه نسبت به مدتی که مستحق نفقه بود، مالک نفقه می شود، ولی بقیه را باید مسترد کند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۵/۳۱؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۴۶۲/۸؛ نووی، ۱۴۱۲: ۵۴/۹؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۴۱/۹؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۵۷۶/۳-۵۷۷)

۲-۵. اموالی که انتفاع از آن ها موجب تلف شدن عین آن ها نیست

اموالی مانند مسکن، اثاثیه منزل، لباس و ... که استفاده از آن ها موجب تلف شدن اصل آن نمی شود، هر چند با به کار گرفته شدن، فرسوده گردند، ولی عین آن ها باقی می ماند، با توجه به احکام متفاوتی که دارند به دو دسته تقسیم می شوند: (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۶۷)

۱-۵-۲. دسته اول: مسکن و خادم



به اجماع فقهای مذاهب، مسکن و خادم، مورد تملیک زوجه قرار نمی گیرد؛ تنها بر زوج، واجب است برای وی سکنی را جهت استفاده از منافع آن، تهیه نماید، اعم از اینکه تهیه مسکن به صورت اجاره یا رهن یا عاریه و ... باشد. زیرا معیار تشخیص اراده زوج و تعیین حق زوجه، حکم عرف است: آنچه ظاهر است، این است که مسکن را مرد به همسر خویش نمی بخشد بلکه تنها به او اذن انتفاع از آن را می دهد. (خمینی، ۱۴۲۵: ۵۶۷/۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۶۳/۸؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۵۹۹/۳-۶۰۰؛ دسوقی، بی تا: ۵۱/۲؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۳۵/۶؛ بهوتی، ۱۴۰۲: ۴۶۳/۵ و ۴۶۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۹۰/۱)

۲-۵-۲. دسته دوم: لباس و اثاث منزل

در مورد این اموال میان فقهای مذاهب اسلامی، اختلاف نظر وجود دارد. فقهای حنفی، برخی از فقهای شافعی، همچنین عده ای از فقهای امامی، قائل به امتناعی بودن این اموال هستند؛ زیرا زوج، قصد هبه آن ها را به زوجه نداشته و اصل نیز، عدم ملکیت زوجه نسبت به آن هاست، در واقع منظور از دادن اینگونه اموال به زوجه، بهره برداری و رفع احتیاج وی از این امور می باشد که با اجازه انتفاع، آن منظور حاصل می گردد. (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۹/۴؛ نووی، ۱۴۱۲: ۵۵/۹؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۳۵/۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۶۴/۸؛ محقق داماد، ۱۳۸۴: ۲۹۳) حنبلی ها نیز در ظروف، وسایل پخت و پز و نظافت و مانند آن همین نظر را دارند، اما، پس از دریافت لوازمی چون فرش، روانداز و امثال آن، از جانب زوج، زوجه را مالک آن ها دانسته اند. (بهوتی، ۱۴۰۲: ۴۶۸/۵؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۳۳/۹ و ۲۴۲) مالکی ها و برخی از فقهای شافعی و امامی، حکم قسم را به مانند خوراک و امثال آن دانسته اند که زوج، آن ها را به زوجه تملیک نموده و زن مالکشان می شود لذا در آن ها حق تصرف مالکانه پیدا می کند. (دسوقی، بی تا: ۵۰۹/۲-۵۱۰؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۹/۴؛ نووی، ۱۴۱۲: ۵۵/۹؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۳۵/۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۰۷/۳-۱۰۸)

* بحث در ثمره فقهی اختلاف در امتناعی یا تملیکی بودن نفقه

نکته قابل توجه در این قسمت ثمره فقهی اختلاف در امتناعی یا تملیکی بودن نفقه زوجه است که می توان آن ها را به دو قسمت تقسیم نمود:
الف. اگر انفاق، به صورت تملیک باشد، زوجه می تواند به هر نحو که بخواهد در آن تصرفات مالکانه انجام دهد؛ مثلاً لباس خود را بفروشد یا اجاره و یا عاریه دهد و... البته به شرط آنکه با غرض زوج از انفاق لباس یا طعام، منافاتی نداشته باشد؛ مانند آنکه لباسی را که برای تزئین وی و مانند آن بوده است، انفاق بنماید یا طعامی را به منظور قوت او در نظر گرفته شده است را انفاق بنماید. همچنین اگر انفاق نفقه، تنها به خاطر انتفاع زوجه باشد، فروش و عاریه و یا اجاره و مانند آن، برای این اموال جایز نیست، مگر اینکه مالک آن، یعنی زوج، به او اجازه دهد و زوجه نیز، تنها به اندازه نیاز خود، از مصادیقی که به او انفاق می شود، حق بهره برداری دارد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۹/۳۱؛ اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۷۳/۷-۵۷۵؛ نووی، ۱۴۱۲: ۵۲/۹؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۳۵/۶؛ ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۴۲/۹)

ب. بنا بر قول امتناع، زوج حق دارد اموالی که به زن داده را دوباره از او پس بگیرد و به جای آن چیز دیگری را به وی بدهد، ولی بنا بر قول تملیک، این حق برای زوج ثابت نمی شود. (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۴۹/۳۱؛ بغوی، ۱۴۱۸: ۳۳۶/۶)

۶. امتیازات نفقه زوجه بر نفقه اقارب

از امتیازات نفقه زن بر اقارب این است که، نفقه گذشته زن تبدیل به دین شده، و همچنان بر ذمه مرد باقی می ماند. بنابراین در صورت ممانعت وی از پرداخت آن، علاوه بر آنکه زوج مرتکب گناه شده است؛ زوجه حق مطالبه نفقه گذشته را نیز خواهد داشت. برخلاف نفقه اقارب که فقط نسبت به حال و آینده قابل مطالبه است؛ اما چنانچه مردی نفقه اقاربش را ندهد تنها نسبت به نفقه گذشته، مرتکب معصیت شده است و آن، دیگر قابل مطالبه نخواهد بود. (فرشتیان، ۱۳۷۱: ۱۱۹) شهید ثانی نیز علت دین شدن نفقه گذشته زوجه را، چنین بیان می نماید:
«زیرا نفقه، حق مالی در مقابل استمتاع می باشد در واقع مثل عوض لازم، در معاوضه می ماند». (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۷۶/۵) سپس در مورد نفقه اقارب می نویسد:

«ولی نفقه اقارب، تنها از جهت نیکی و پر کردن شکاف های گرسنگی و فقر مقرر شده است نه از جهت تملیک، پس در صورت ترک آن، در ذمه نفقه دهنده مستقر نشده و دین نمی شود بلکه فقط ترک کننده مرتکب گناه و معصیت شده است». (همان)

اما فقهای عامه، در مورد تبدیل شدن نفقه گذشته به دین، دیدگاه های متفاوتی دارند.

فقهای حنفی، نفقه گذشته را نه تنها دین ندانسته اند، بلکه ساقط می دانند؛ مگر آنکه مدت کوتاهی (کمتر از یک ماه) از عدم پرداخت نفقه، گذشته باشد تا حکم به سقوط نفقه ندهند. اما بعد از قضاء (قضاوت و تعیین مقدار نفقه توسط حاکم)، نفقه دین شده و ساقط نمی شود مگر به مرگ یکی از طرفین یا طلاق و یا ... (جزیری، ۱۴۲۴: ۵۰۰/۴) استدلال فقهای حنفی بدین شرح است که خداوند متعال نفقه را، رزق و روزی نامیده است؛ مثل رزق و حقوق قاضی در بیت المال، که او مالک نفقه نمی شود مگر به قبض، زوجه نیز مالک نفقه نمی شود مگر به قبض و گرفتن آن. احتباس زوجه



در منزل و رعایت حال اطفال و ... به مصلحت و به نفع طرفین است، لذا نمی‌توان این‌ها را فقط به نفع شوهر دانست، و حکم به دین شدن نفقه گذشته زوجه، نمود. (فرشتیان، ۱۳۷۱: ۱۲۰)

اما مالکی‌ها، نفقه گذشته را در صورتی واجب می‌دانند که زوج موسر باشد یعنی توانایی و استطاعت مالی برای پرداخت نفقه در زمان وجوب آن داشته باشد بنابراین نفقه گذشته زمان عسر و تنگدستی، ساقط می‌شود، برخلاف زمان یسر و اتوانایی شوهر که بر ذمه وی باقی می‌ماند. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳۹۰/۲؛ جزیری، ۱۴۲۴: ۵۰۱/۴) فقهای شافعی و حنبلی نیز، پس از آنکه زوجه، خود را تسلیم شوهر نمود، وی را مستحق دریافت نفقه دانسته، و معتقدند که اگر شوهر نفقه را نپردازد، مرتکب معصیت شده است و دین نفقه بر ذمه او باقی می‌ماند. (همان) بنابراین سه فرقه مالکی، شافعی و حنبلی نفقه را «جزء احتباس» دانسته و منافع احتباس را مربوط به زوج و به نفع وی می‌دانند لذا حکم به دین شدن نفقه گذشته نموده و آن را تا زمان بر ذمه شوهر می‌دانند. (همان)

۷. نتیجه گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان نظرات فقها را در رابطه با ماهیت حقوقی نفقه و سایر مطالب پرداخته شده چنین بیان نمود.

۱. نفقه در لغت در نزد فقهای مذاهب اسلامی، هزینه‌ای است که زوج خرج عیالش می‌کند و در اصطلاح فقهی، نفقه تقریباً به معنای لغوی آن است، گرچه فقهای مذاهب، تعاریفی متفاوتی از نفقه بیان داشته‌اند اما تمامی آنان، نفقه را شامل مسکن، خوراک، پوشاک و به طور کلی آنچه زن برای ادامه زندگی بدان نیازمند است؛ دانسته‌اند.
۲. فقهای امامی برای وجوب نفقه زوجه به آیات، روایات و اجماع استدلال کرده‌اند و فقهای اهل تسنن علاوه بر آن، به عقل و قیاس نیز تمسک نموده‌اند.
۳. اکثر فقهای مذاهب امامی، مالکی، حنفی و برخی از فقهای حنبلی و شافعی، در تعیین اندازه نفقه به حد و مقدار خاصی قائل نیستند بلکه به اندازه‌ای که نیاز زوجه را تأمین کند و او را کفایت نماید، یا به اندازه‌ای که در عرف متداول و رایج است، نفقه را واجب می‌دانند. اما در صورتی که وضع مالی زوجین متفاوت باشد فقهای امامی ملاک پرداخت نفقه را، وضعیت زوجه مطابق با عرف عادت زنان آن از سرزمین دانسته‌اند اما فقهای مالکی، حنبلی و برخی از فقهای حنفی، رعایت حال زوجین را مبنای لزوم پرداخت نفقه قرار داده‌اند؛ و فقهای شافعی و برخی از فقهای حنفی نیز ملاک را رعایت حال زوج در نظر گرفته‌اند.
۴. فقها در بررسی ماهیت حقوقی زوجه، بین اموالی که انتفاع از آن‌ها موجب نابودیشان است و اموالی که انتفاع از آنان باعث از بین رفتن عینشان نمی‌شود، تفاوت قائل شدند بدین صورت که، اموالی که به مانند خوراکی‌ها و نوشیدنی‌هاست که جزء با از بین رفتن عین آن‌ها نمی‌توان از آن بهره‌مند شد، به مالکیت زوجه در می‌آید اما اموالی مانند مسکن و خادمی که زوج برای همسرش در خدمت می‌گیرد به علت آنکه معمولاً زوج این اموال را به همسرش نمی‌بخشد، در تملیک او قرار نمی‌گیرد اما نسبت به اثاثیه منزل و لباس، برخی از فقهای شافعی و امامی قائل به امتاعی بودن این اموال گشته‌اند در حالی - که حنبلی‌ها نیز در ظروف، وسایل پخت و پز و نظافت و مانند آن همین نظر را دارند، اما، پس از دریافت لوازمی چون فرش، روانداز و امثال آن، از جانب زوج، زوجه را مالک آن‌ها دانسته‌اند. مالکی‌ها و برخی از فقهای شافعی و امامی نیز حکم این را به مانند قسم خوراک و امثال آن می‌دانند بدین صوت که زوج، آن‌ها را به زوجه تملیک نموده و زن مالکشان می‌شود.
۵. ثمره فقهی اختلاف در امتاعی یا تملیکی بودن نفقه زوجه این است که اگر انفاق، به صورت تملیک باشد، زوجه می‌تواند به هر نحو که بخواهد در آن تصرفات مالکانه انجام دهد اما بنا بر قول امتاع، زوج حق دارد اموالی که به زن داده را دوباره از او پس بگیرد و به جای آن چیز دیگری را به وی بدهد، ولی بنا بر قول تملیک، این حق برای زوج ثابت نمی‌شود.
۶. از مهمترین امتیازات نفقه زوجه این است که نفقه گذشته او تبدیل به دین می‌شود و در ذمه زوج تا زمان ابرا باقی می‌ماند در این خصوص فقهای امامی، شافعی و حنبلی معتقدند، پس از آنکه زوجه، خود را تسلیم شوهر نمود، مستحق دریافت نفقه می‌باشد و در صورتی که شوهر از پرداخت آن ممانعت ورزد، مرتکب معصیت شده است و دین نفقه بر ذمه او باقی می‌ماند تا زمانی که زوجه از حق بگذرد یا زوج نفقه گذشته همسرش پرداخت نماید اما فقهای حنفی، نفقه گذشته را نه تنها دین ندانسته‌اند، بلکه ساقط می‌دانند؛ مگر آنکه مدت در کوتاهی (کمتر از یک ماه) از عدم پرداخت نفقه، گذشته باشد تا حکم به سقوط نفقه ندهند.



کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی شهریورماه ۱۳۹۶



۸. منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، مترجم: فولادوند، محمد مهدی، ۱۳۸۷.
۲. ابن ضویان، ابراهیم بن محمد بن سالم، *منار السبیل فی شرح الدلیل*، محقق: الشاوش، زهیر، جلد دوم، چاپ هفتم، بی جا: المکتب الإسلامی، ۱۴۰۹.
۳. ابن عابدین، محمد امین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، جلد سوم، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲.
۴. ابن قدامه، عبد الله بن أحمد، *المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی*، جلد نهم، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۵.
۵. ابن مفلح، ابراهیم بن محمد، *المبدع شرح المقنع*، جلد هشتم، بی جا: دار عالم الکتب، الرياض، ۱۴۲۳.
۶. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، محقق: فارس، احمد، جلد نهم، چاپ سوم، بیروت- لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴.
۷. أبو زهره، محمد، *محاضرات فی عقد الزواج و آثاره*، بی جا: دارلفکر العربی، بی تا.
۸. بعلی، عبد الرحمن بن عبد ا...، *کشف المخدرات والریاض المزهرات لشرح أخصر المختصرات*، محقق: عجمی، محمد بن ناصر، جلد دوم، بیروت- لبنان، دارالبشائر الإسلامیة، ۱۴۲۳.
۹. بغوی، مسعود بن محمد، *التهذیب فی فقه الإمام شافعی*، محقق: عبد الموجود، عادل أحمد، معوض، علی محمد، جلد ششم، چاپ اول، بی جا: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸.
۱۰. بهوتی، منصور بن یونس بن إدريس، *دقائق أولى النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإرادات*، جلد سوم، چاپ اول، بی جا: عالم الکتب: ۱۴۱۴.
۱۱. همو، *کشاف القناع عن متن الإقناع*، محقق: هلال مصیلحی مصطفی هلال، جلد پنجم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۲.
۱۲. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، *معجم فقه الجواهر*، محققان: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، جلد ششم، چاپ اول، بیروت- لبنان: لغدير للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۷.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، محقق: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت عليهم السلام جلد بیستم و بیست و یکم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
۱۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، محقق: شیری، علی، جلد سیزدهم، چاپ اول، بیروت- لبنان: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴.
۱۵. خمینی، روح ا...، *تحریر الوسیلة*، جلد دوم، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، ۱۴۰۹.
۱۶. خویی، ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، تعلیقات: صدر، محمد باقر، جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، قم: نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰.
۱۷. دسوقی، محمد بن احمد، *حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير*، جلد دوم، بی جا: دار الفکر، بی تا.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق: عدنان داودی، صفوان، چاپ اول، لبنان- سوریه: دار العلم- الدار الشامیة، ۱۴۱۲.
۱۹. زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، محقق: مهدی، عبد الرزاق، جلد چهارم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۲۰. سیواسی، کمال الدین محمد بن عبد الواحد، *شرح فتح القدر*، جلد چهارم، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۱. شربینی، محمد بن احمد، *معنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج*، جلد پنجم، چاپ اول، بی جا: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.
۲۲. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، *نیل الأوطار من أحادیث سید الأخیار شرح منتقى الأخبار*، جلد هفتم، بی جا، إدارة الطباعة المنیریة، بی تا.
۲۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی- کلانتر)*، شارح: کلانتر، محمد، جلد پنجم، چاپ اول، قم: ۱۴۱۰.
۲۴. همو، *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، محقق: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، جلد هشتم، چاپ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳.
۲۵. شیخی زاده، عبد الرحمن بن محمد، *مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر*، جلد اول، بی جا: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۲۶. صادقی، شهره، *نفقه زوجه در مذاهب خمسہ*، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۰.
۲۷. طباطبائی، محمد حسین، *تفسیرالمیزان*، مترجم: مکارم شیرازی، ناصر و ... [دیگران]، جلد نوزدهم، قم: بنیادعلمی و فکری علامه طباطبائی، تهران: مرکز نشر فرهنگي رجا: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف، *قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام*، جلد سوم، چاپ اول، محقق: گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۲۹. علیش، محمد بن احمد، *منح الجلیل شرح مختصر خلیل*، جلد چهارم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، محققان: مخزومی، مهدی و سامرائی، ابراهیم، جلد پنجم، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰.



۳۱. فرشتیان، حسن، *نفقه زوجه در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی*، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱.
۳۲. قرافی، شهاب الدین أحمد بن إدريس، *الذخیره*، جلد چهارم، چاپ اول، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۱۵.
۳۳. قرطبی، محمد بن أحمد، *بداية المجتهد ونهاية المقتصد*، جلد سوم، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۵.
۳۴. قشیری نیشابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسين، *صحیح مسلم*، محقق: عبد الباقي، محمد فؤاد، جلد دوم و سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۵. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۳۶. کاسانی، علاء الدین أبو بکر بن مسعود، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، جلد چهارم، چاپ دوم، بی جا: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶.
۳۷. مجمع لغت عربی قاهره، *المعجم الوسیط*، جلد دوم، بی جا: دار الدعوة، بی تا.
۳۸. محقق حلی، نجم الدین، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، محقق: بقال، عبد الحسین محمد علی، جلد دوم، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸.
۳۹. محقق داماد، مصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال*، چاپ دوازدهم، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
۴۰. مغنیه، محمد جواد، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، جلد دوم، چاپ دهم، بیروت- لبنان: دار التیار الجدید- دار الجواد، ۱۴۲۱.
۴۱. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، محققان: قوچانی، عباس و آخوندی، علی، جلد سی و یکم، چاپ هفتم، بیروت- لبنان: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴.
۴۲. نووی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، *روضه الطالبین وعمده المفتین*، محقق: شاییش، زهیر، جلد نهم، چاپ سوم، بیروت- دمشق- عمان: : المکتب الإسلامی، ۱۴۱۲.